

آوای شوم "نابودی" سازمان فدائیان اقلیت از حنجره متحدین راه کارگر

اخیر سازمان ما، سازمان فدائیان اقلیت، آماج حملات مشتکی و لگرد اینترنتی و راهزن پالتاکی قرار گرفته است. بهانه حملات اینان نیز اخراج یک عضو از سازمان و اتهامات بی پایه و اساس به یکی دیگر از فعالین سازمان ماست. در مورد عضو اخراجی، تنها نگاهی به نوشته‌های اولیه این عضو سابق سازمان نشان میدهد که حق با کیست. من در اینجا کاری به جزئیات این قضیه ندارم ولی ایشان حداقل در نوشته‌های خودش می‌پذیرد که مبلغی از بابت حق عضویت به سازمان بدهکار بوده و مبلغی نیز از یکی از رفقای سازمان وام گرفته است که سازمان این مبلغ را جزو بدهی ایشان به سازمان تلقی میکند. حالا در اینجا یک سؤال پیش پای خواننده و یا شنونده عاقل قرار میگیرد. اگر آنطور است که ایشان میگویند چرا یک سازمان کمونیستی بایستی یک عضو خود را تنها به خاطر مبالغی ناچیز از سازمان اخراج کند و چرا ایشان که همه جا خود را در چندین ساله اخیر به عنوان دکتر روانشناس با چندین تخصص جا زده است به اعتراف خودش از پرداخت چنین مبلغی ناتوان باشد. ایشان در دنباله ادعاهای کودکانه خودش بر علیه سازمان ادعا میکند، که به علل سیاسی و ایدئولوژیک از سازمان اخراج شده است. اما هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای را در این مورد نمیتواند ارائه دهد. تنها مطلب علنی ایشان در مورد مسائل سیاسی و ایدئولوژیک، مطلبی است در مورد مسئله ملی که در ضمیمه نشریه کار پیش از کنفرانس اخیر سازمان منتشر شده است. اضافه کنم که در همان زمان بسیاری از فعالین سازمان نظرات خودشان را در این مورد به صورت علنی در نشریه کار و بیرون از آن ارائه دادند و همزمان نیز در درون سازمان بحثهایی در این مورد جریان یافت. در مورد موارد دیگر هیچگونه بحث منسجمی از جانب ایشان تا به حال دیده نشده است و خود ایشان هم جز تکرار یک سری حرفهای پراکنده نتوانسته چنین ادعائی را ثابت کند.

از زمان انشعاب اقلیت و اکثریت تا به حال هیچ کدام از منشعبین سازمان نتوانسته ادعا کند که نوشته‌هایش در سطح داخلی در سازمان با سانسور مواجه شده و یا اجازه انتشار در خارج نیافته است. شاهد این مدعا انتشار جزوهای بود در مورد مجلس موسسان در چند سال اخیر. زمانی که اکثریت سازمان با این ایده رفرمیستی مرزبندی قاطع داشت انتشارات سازمان این جزوه را که یک عضو سابق سازمان نوشته بود به نام خود این عضو انتشار علنی داد. که مورد اعتراض عده‌ای از فعالین سازمان از جمله خود من قرار گرفت. البته این به این معنا نیست که سازمان فدائیان اقلیت در این مورد کاملاً بی عیب و نقص است و یا دموکراسی کامل در آن رعایت میشود. هیچکس در این مورد نمیتواند چنین ادعائی بکند. زیرا که سازمان ما نیز حاصل شرایط زمانی و مکانی خود است اما حداقل به عنوان یک سازمان کمونیستی تلاش میکند تا دموکراسی درون تشکیلاتی را از زاویه منافع طبقه کارگر و زحمتکشان تا سر حد امکان رعایت کند. در درون این سازمان در شرایط کنونی فعالین این سازمان به درجه‌ای از رشد و آگاهی رسیده‌اند که به آسانی زیر بار حرف زور و غیر منطقی نروند و از حقوق سازمانی خود و دیگر اعضا دفاع کنند. و در زمینه سیاسی و ایدئولوژیک نیز تا آنجائی که مبانی نظری سازمان را زیر علامت سؤال نبرد همه اعضا سازمان آزادند در همه جا هر چه میخواهند بگویند و بنویسند. حتی اگر نوشته‌ای در نشریه کار ارگان رسمی سازمان منتشر نشود هیچ کس نمیتواند جلوی انتشار آن را در جای دیگر بگیرد.

حال سؤال اینجاست آیا مخالفین سیاسی و ایدئولوژیک سازمان ما از جمله سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر که بطور پنهان و آشکار ارکستر شوم ولگردان اینترنتی و راهزنان پالتاکی را رهبری میکند تا این اندازه دلش به حال این عضو اخراجی و رعایت نشدن دموکراسی درون تشکیلاتی در سازمان ما سوخته است. آیا مسئله اینان مسئله ملی و یا مسائل سیاسی و ایدئولوژیک از این دست میباشد. آیا کدامین اینان میتوانند ادعا کنند که در درون تشکیلات و یا گروه و یا محفل خود حقوق اعضا خودشان را تا به این اندازه که سازمان ما رعایت میکند رعایت کرده باشد. آیا این فرد اخراجی توانسته با استناد به اساسنامه سازمان که در سطح علنی نیز موجود میباشد ثابت کند در جائی حقی از ایشان ضایع شده است. آیا تنها محفل دو نفره باقی مانده از اتحاد چپ کارگری، که امروزه در راس این حملات قرار داده شده است میتواند راجع به گذشته و حال خود سندی ارائه دهد که چگونه مشکلات و اختلافات درون تشکیلاتی خودشان را با یکدیگر تاکنون حل کرده و میکنند. آیا سازمان راه کارگر تاکنون توانسته به غیر از همان محفل خانوادگی اولیه که در زمان شاه در زندان دور هم جمع شدند و یا یک یا دو عنصر سرگردان سیاسی کسی را دور محفل خودش و یا اتحادهایش جمع کند. به نظر من مشکل اینان در جای دیگری نهفته است که در من جای خود توضیح میدهم.

اما در مورد اتهام دیگر یعنی در مورد فعالیت‌های مطبوعاتی یک فعال دیگر سازمان و شایعات و اتهامات و سندسازیهایی که حول این قضیه از طرف برخی سایتها و اتاقهای اینترنتی وابسته و نزدیک به محفل راه کارگر و محفلی بنام دیالوگهای زندان انجام گرفته، خود این رفیق در اتاق دمکراسی شورائی توضیحات کافی را داده که هم اکنون نیز فایل‌های صوتی آن بر روی سایت سازمان موجود است. و نیازی به توضیح بیشتر در اینمورد نیست. البته سوابق کسانی که چنین اتهاماتی را به سازمان ما و فعالان آن وارد میکنند چندان جدی و درخشان نیست که کسی این اتهامات را جدی بگیرد. اگر سازمان ما مانند بسیاری از جریانات دیگر تن به وابستگی و گرفتن کمک از محافل صهیونیستی و امپریالیستی میداد با قابلیتها و توانهایی که هنوز در درون این سازمان وجود دارد بسیار زودتر از دیگران میتوانست به امکانات وسیع تبلیغاتی دسترسی پیدا کند. اصولاً فلسفه وجودی سازمان ما به عنوان یک سازمان کمونیستی، مخالفت استراتژیک با نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم تا برقراری سوسیالیسم و ادامه آن تا محو کامل نظام طبقاتی و برقراری کمونیسم بوده و هست. از اینرو با هر گونه تلاشی که بخواهد مانعی در راه این هدف ایجاد کند مخالف است. و روزی که چنین شود مطمئناً دیگر سازمانی بدین نام باقی نخواهد ماند. این کودنهای سیاسی، شعور و آگاهی فعالین سازمان را به مسخره گرفته‌اند. اینان می‌اندیشند که مسائل سازمان فدائیان اقلیت نیز به مانند محافل خودشان با ریش سفیدی‌های و باندبازی و محفل‌بازی رتق و فتق میشود. اینان می‌اندیشند که در اینجا نیز به مانند باندهای راهزنان و ولگردان تنها یک رئیس و معاونش همه چیز را حل و فصل میکند و مابقی هیچکاره‌اند، بنا به اصطلاح معروف، کافر همه را به کیش خود پندارد. تنها نگاهی به اسناد ده کنفرانس اخیر سازمان، خلاف این مدعا را ثابت میکند. تمامی اسناد سیاسی و تشکیلاتی بیست ساله اخیر سازمان نشان‌دهنده شفافیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان فدائیان اقلیت است. کدام یک از محافل و جریانات موجود از جمله راه کارگر که شهادت ابراز مخالفت علنی با خط مشی و اهداف سازمان ما را ندارد میتواند خلاف این مدعا را ثابت کند.

اما انگیزه من از نوشتن این یادداشت کوتاه جلسه پالتاکی بود که در تاریکخانه و یا فراموشخانه اتاق سوسیال فوروم در پنجشنبه هفته گذشته ۱۶ نوامبر برگزار شد. سخنران این جلسه که یکی از، یکی - دو نفر باقی مانده منصوبین به اتحاد چپ کارگریست ضمن ابراز یکسری بیانات بی‌مایه، مدعی شد که سازمان فدائیان اقلیت مدتهاست که مرده و وجود خارجی ندارد. و **اصل و جان مطلب** نیز اینجاست. تمامی حملات مرتجعین و فرمیست‌ها بر علیه سازمان ما ریشه در این اندیشه و تفکر دارد. آنان در خیال خود کمر همت به نابودی سازمان ما بسته‌اند. چرا؟؟؟

جریانات فرمیستی به مانند راه کارگر پس از طرح شعارهایی مانند فراندنم و نافرمانی مدنی و شانه ساییدن به شعارهای شاهزاده رضا پهلوی و سپس شرکت در شوهای مختلف سیاسی و همگی نافرجام جمهوری‌خواهی از همه جا ناامید گشته و علل عدم موفقیت خود را در سازمان ما جستجو میکنند. تجربه اتحاد انقلابی هر چند به سرانجام مطلوب خود نرسید ولی همین تجربه در مقایسه با تجربه اتحاد چپ کارگری که در همان گام نخستین چند پاره شد بسیار موفق‌تر و دمکراتیک‌تر عملکرد و همین خاری شد در چشم جریانات فرمیستی از جمله راه کارگر و متحدینش که در فکر انتقام‌گیری بیافتند. و اینان قبلاً نیز از این سری "عملیات خارق العاده و محیرالعقول" کم نداشته‌اند. شاهد این مدعا نیز طوفان در لیوان آبی بود که اینان در سه سال پیش با متحدینشان در پالتاک تحت عنوان «چهار بهمین را فراموش نکنیم» برگزار کردند و دست آخر نیز خودشان در لیوان طوفانزده خودشان افتادند و کم مانده بود که غرق شوند. البته از جریانی مانند راه کارگر نمیشود به مصداق ضرب‌المثل معروف «ترک عادت موجب مرض است» خواست تا بر علیه سازمان ما توطئه نکند. ولی میشود از روی خیرخواهی از آنان خواست که کمی معقول‌تر عمل کنند و مابقی حیثیت سیاسی و رشته کار خود را به دست یکسری عناصر آبرو باخته و ولگرد سیاسی ندهند.

داود ۲۰ نوامبر ۲۰۰۶